

# حوزه‌ها و مراکز علمی حله

د. یوسف الشمیری  
ترجمه: محمد مهدی رضایی

## چکیده

اگر بخواهیم در طول تاریخ علم اسلامی، نشانه‌هایی از توجه عمیق و اصولی مسلمانان به علم و دانش آموزی را رصد کنیم، به نمونه‌ها و مصادیق متنوع و بسیاری خواهیم رسید که گوناگونی اماکن تدریس و استفاده مدرسان و علم‌آموزان از هر موقعیت مکانی حتی در ابتدایی‌ترین شکل آن، برای تعلیم و تعلم، از جمله آنهاست.

آنجا که فضای حاکم بر شهری شیعه‌نشین همچون حله اجازه نشر و گسترش علوم اهل بیت علیهم‌السلام را به طور آشکار نمی‌دهد و سلطه محافل رسمی و دولتی بر آموزش، بهانه‌ای است برای تزییق و اعمال خشونت از طرف حاکمیت، خانه‌های علما و اتاق‌های محدود و امن، بهترین جایگاه تدریس و انتقال معارف اصیل اسلامی به طالبان و حقیقت‌جویان است. البته مساجد و اماکن مقدس نیز در این عرصه جایگاه ویژه‌ای دارند و مجمع و مقصد مسلمانان برای مقاصد گوناگون از جمله یادگیری علوم دینی‌اند. حله تا قرن نهم هجری از نظر فعالیت‌های علمی و فرهنگی پررونق است و بارقه‌های بحث و تحقیق علمی در گوشه گوشه آن می‌درخشد.

**کلیدواژه‌ها:** حله، مراکز علمی، مسجد زینبیه، مقام صاحب‌الزمان.

عمده حلقه‌های تدریس و تعلم در شهر حله، عبارت بوده از خانه علما و اماکن زیارتی و مساجد و ما تا پایان قرن نهم هجری، در منابع تاریخی و علمی مربوط به حله سراغ نداریم که به وجود یک مدرسه رسمی و حوزه معمول در این شهر اشاره شده باشد؛ جز مدرسه‌ای به نام «مدرسه زینبیه» که در بعضی یافته‌ها از آن یاد کرده‌اند. بنابراین مهم‌ترین مراکز فکری و حوزوی حله، مواردی است که در ادامه به معرفی آنها می‌پردازیم:

### خانه علما

منزلگاه عالمان در طول تاریخ اسلامی، همواره یکی از محل‌های ثابت تدریس و مجمع حضور شیفتگان علم و دانش بوده است. این پدیده زاینده گذشت زمان و رسمی پیدا شده در گذر تاریخ نیست؛ بلکه در همان آغاز نمونه‌هایی از آن وجود داشته و گزارش‌های تاریخی آن به ما رسیده است (طبری، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۴۴). در زمان رسول خدا ﷺ خانه ارقم بن ابی ارقم جایی بود که حضرت در آن اصول دین جدید را به مردم می‌آموخت. نشست‌های علمی و معرفتی نیز در منازل اصحاب برگزار می‌شد (ابن شبه، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۵۹).

تشکیل جلسات درس در خانه‌ها و اتاق‌ها به طائفه خاصی از مسلمانان منحصر نبود؛ بلکه همه طوائف اسلامی در میان خود به چنین شیوه‌ای عمل می‌کردند. شیعه امامیه که این روش تعلیم را می‌پسندید، آن را ادامه داد؛ چون احساس می‌کرد با چنین رویکردی می‌تواند افکار و عقاید خود را به بهترین شکل محافظت کند و آن را از دستبرد حاکمیت مسلط عصر خود، که می‌کوشید شیعیان را از جهت فکری و اعتقادی در تنگنا و تحت فشار بگذارد، دور نگه دارد (فیاض، ۱۳۹۲ق، ص ۸۶). این پایداری و استقامت، می‌طلبید که شیعیان فعالیت‌های علمی خود را از دید نظام سلطه پنهان کنند تا به باورهای حقیقت‌آسیمی نرسد و این معارف و حقایق دست به دست منتقل شود و در اختیار نسل‌های آینده قرار گیرد.

نمونه‌هایی که ذکر می‌کنیم، در شمار برجسته‌ترین خانه‌های تعلیم و دانش‌گستری در حله

بوده‌اند:

۱. خانه شیخ احمد بن فهد احسائی حلی (م. ۸۰۶ق): وی برای علم‌آموزی خود را از احسا به حله رساند و در خدمت علی بن متوج بحرانی کسب دانش کرد؛ ساکن حله شد و همانجا رخت از جهان بر بست و مدفون گردید (حرزالدین، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص ۷۹).

خانه شیخ احمد بن فهد در حله یکی از مراکز تفکر شیعی بود که حقیقت‌طلبانی از حله و بحرین به آن وارد می‌شدند و با کوله‌باری از معرفت و معنویت آن را ترک می‌گفتند. کسانی همچون شیخ ناصر بن احمد بن متوج بحرانی (۸۵۹ق) و محمد بن ابی‌جمهور احسائی (۸۹۸ق) و شیخ حسن مشهور به ابن مطوع جروانی احسائی، از جمله شاگردان این عالم بزرگوار بودند که در خانه وی، از او کسب فیض می‌کردند (بحرانی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۷؛ حر عاملی، ۱۹۶۲م، ج ۲، ص ۲۱).

۲. خانه شیخ احمد بن متوج بحرانی (م. ۸۲۰ق): وی یکی از عالمان زبده حله به شمار می‌رفت و خانه‌اش محل دیدار و گردهمایی مردان فکر و اندیشه بود. بسیاری از دانشوران، تحت تعلیم او به مدارج بالای علمی رسیدند و به داشتن اجازه از او مفتخر شدند. در ادبیات عرب سرآمد بود و سفرهای علمی فراوان در کارنامه حیات فکری او ثبت و ضبط شده است و در رثای اهل بیت علیهم‌السلام نیز اشعاری دارد (افندی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۵).

شیخ احمد بن فهد بن ادریس احسائی حلی (م. ۸۰۶ق) از جمله کسانی است که شیخ متوج در خانه خود به او اجازه داد که بخش نخست کتابش، تلخیص التذکره را نقل و روایت کند (بحرانی، بی‌تا، ص ۱۷۸). همین شیخ احمد بن فهد و نیز فرزند عالم مورد بحث، شیخ ناصر بن احمد متوج (م. ۸۵۹ق) و شیخ حسن بن مطوع جروانی احسائی و شیخ احمد بن محمد سبعی (م. ۸۶۰ق) از شاگردان خانگی شیخ احمد بن متوج بحرانی بودند.

۳. خانه شیخ علی بن حسن بن علاله حلی (زنده در: ۸۲۲ق): از فقیهان و مجتهدان حله و از علمایی بود که شیخ محمد بن ابی‌جمهور احسائی در خانه‌اش، نزد وی فقه و حدیث آموخت (بحرانی، بی‌تا، ص ۱۸۲؛ افندی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۹۹).

۴. خانه شیخ محمد بن شجاع قطان حلی (م. ۸۳۲ق) مجلسی علیه‌السلام درباره وی گفته است:

«شیخ فاضل محقق» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۵، ص ۱۵۰). خانه‌اش مقصد علمی دانشجویانی بود که سیراب شدن از چشمه جوشان و زلال دانش وی، آنان را متوجه او می‌ساخت (افندی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۸۲).

۵. خانه شیخ‌عزالدین حسن بن محمد بن علی مهلبی (زنده در: ۸۴۰ق): از خانه‌ای اصیل و ریشه‌دار، و از فقیهان بود که دو فضیلت علم و ادب را با هم داشت و شعرهای نیکو می‌سرود (افندی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۳۲۵؛ یعقوبی، ۱۹۵۱م، ج ۱، ص ۱۳۱). در خانه‌اش در حله سیفیه، تدریس می‌کرد و کتاب می‌نوشت. کتاب الانوار البدیة فی رد شبهة القدریة از اوست که به گفته افندی، تألیف آن را در روز شنبه، ششم جمادی‌الآخر سال ۳۴۰ قمری در خانه خود به انجام رساند (افندی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۸۱).

۶. خانه شیخ‌حسن بن حسین بن مطر جزائری حلّی (زنده در: ۸۴۹ق): او که پژوهشگری برجسته، و از عالمان شهر حله در نیمه نخست قرن نهم هجری است، در خانه‌اش تدریس می‌کرد. شیخ‌حسن بن عبدالکریم فتال حلّی، در خانه این شیخ محقق، نزد وی دانش آموخت (همانجا).

### حلقه‌های درسی

از جمله مراکز علمی در حله، مجالسی و حلقه‌های تعلیم فراوانی بود که اندیشمندان حلّی، بیرون از خانه خود، در مکان‌هایی خاص تشکیل می‌دادند؛ مکان‌هایی به صورت صحنی و وسیع با غرفه‌هایی در اطراف. این حلقه‌های تدریس در حله به این صورت بود که استاد در جایی مخصوص می‌نشست و شاگردان پیرامون او حلقه‌وار قرار می‌گرفتند و اندک‌اندک، آن محل به «جلسه درس» فلان عالم شهرت می‌یافت (حزالدین، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص ۶۴؛ وناس، ۲۰۰۶م، ص ۳۵).

برجسته‌ترین مجالس و حلقه‌های درسی در حله عبارت‌اند از:

۱. جلسه درس شیخ‌علی بن محمد بن عبدالحمید نیلی (زنده در: ۸۰۰ق): وی یکی از چهره‌های شاخص علمی بود که در اواخر قرن هشتم و اوائل قرن نهم در حله می‌زیسته و دو قرن را درک کرده است. شیخ‌احمد بن فهد حلّی، کتاب شرائع الاسلام فی مسائل الحلال

و الحرام از محقق حلی را در جلسه درس وی بر او خوانده و در نهایت، اجازه روایت آن را از استاد خود دریافت کرده است (افندی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۹۲). شیخ حسن بن سلیمان بن خالد حلی (زنده در: ۸۰۲ق) نیز از شاگردان حلقه درس شیخ علی بن محمد نیلی است (خوانساری، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۳۳۴).

۲. جلسه درس زین الدین علی بن حسن بن حسین استرآبادی (م. ۸۳۷ق): او عالمی متقی و پارسا بود و مجلس درسش رونق ویژه‌ای داشت. یکی از حاضران حلقه تدریس او، شیخ حسن بن علی بن حسن حلی (زنده در: ۸۳۳ق) است. شیخ زین الدین برای یکی از طلاب درس خود، دو اجازه مرقوم داشته که یکی مربوط به نقل بخش نخست کتاب رجال ابن داود است و دیگری به فاصله دو سال، اجازه نقل نیمه دوم آن کتاب که نشان می‌دهد این شاگرد که نامش معلوم نیست، مدتی طولانی در مجلس درس وی حاضر می‌شده و از شاگردان ثابت‌قدم او بوده است (افندی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۴۱۲؛ بحر العلوم، ۱۳۶۳ق، ج ۳، ص ۲۷۸).

۳. جلسه درس شیخ علی بن دقماق حسینی حلی (زنده در: ۸۴۰ق): او هم عالم و فقیه بود و هم شاعر و ادیب، و این واقعیتی است که توصیف «کحالة» درباره او، آن را مسلم می‌گرداند: «شیخ علی بن دقماق، ادیب بود و کتاب نزهة العشاق فی الادب از آثار اوست» (کحالة، بی تا، ج ۷، ص ۱۹۶).

قوام‌الدین عبدالله بن سیف‌الدین بن نائب شغرائی کتاب تحریر الاحکام الشرعیة را در جلسه درس بر وی خواند و در تاریخ ۸۰۶ قمری از استاد خود اجازه نقل آن را دریافت کرد (اللجنة العلمية فی مدرسة الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۱۶۳).

۴. جلسه درس شیخ احمد بن فهد حلی (م. ۸۴۱ق): مجلس درس شیخ احمد بن فهد، خود یک مدرسه جداگانه علمی بود و افراد بسیاری برای تحصیل معارف دینی و گرفتن اجازه به حلقه درسی وی می‌پیوستند و فارغ‌التحصیل می‌شدند. ابن فهد را به راستی باید یگانه پرچم‌دار حوزه علمیه حله در قرن نهم هجری دانست که شاگردان پرنشاطی را پیرامون خود گرد آورده بود و آنان را در پرتو چراغ پرنور دانش خود راه می‌نمود و به رشد و تعالی می‌رساند. از شاگردان حلقه علمی او، این نام‌ها پرآوازه‌اند: سید محمد نوربخش (م. ۸۶۹ق)، سید محمد بن

فلاح واسطی مشعشعی (م. ۸۷۰ق)، شیخ عبدالسمیع بن فیاض اسدی حلی (م. ۱۷۶ق) و علی بن هلال جزائری حلی (زنده در: ۹۰۰ق).

شیخ ناصر بن متوج بحرانی، به دلیل خواندن کتاب قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام در جلسه درس ابن فهد حلی، از وی اجازه نقل دریافت کرد. در پایان این اجازه آمده است:

این کتاب را ایشان - که خداوند سایه‌اش را مستدام، و امثال او را بسیار گرداند - در جلسات متعدد برای من خواند و بحث و ضبط آن را به انجام رساند و آخرین جلسه یازدهم جمادی‌الآخر سال ۸۳۸ قمری بود. کاتب: اضعف بندگان خدا، احمد بن محمد بن فهد عفا الله عنه (افندی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۶۰).

دو اجازه دیگر نیز از ایشان در منابع نقل شده که در مجلس درس برای شاگردان خود نوشته است (همان، ۱۴۲۷ق، ص ۴۸۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۸۴).

۵. جلسه درس عبدالملک بن اسحاق قمی کاشانی (م. ۸۵۱ق): او در کاشان متولد شد و حله را مسکن و مأوی خویش ساخت و در زمره زبده‌ترین عالمان آن دیار در آمد. در پایان اجازه‌نامه‌ای که برای شاگرد خود، زین‌الدین علی بن حسین بن حسن استرآبادی در سال ۸۹۱ قمری نوشته، چنین آورده است:

زینت ملت و آیین علی - که خداوند عمر او و پدرش را طولانی گرداند - این کتاب را به قرائت و بحث و شرح و با کمال فهم و دقت، در چند جلسه نزد من آموخت و در ۲۴ ماه محرم‌الحرام از سال ۸۵۱ قمری آن را به پایان برد. کاتب: اضعف بندگان خدا، عبدالملک بن اسحاق (افندی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۹۸).

۶. جلسه درس سیدعلی بن حسن بن حسین سرباشنوی حلی (زنده در: ۸۵۱ق): وی از بزرگان فقهای عصر خود بود. در مجلس تدریس او کتاب‌های متعددی خوانده و شرح و تحقیق می‌شده است. این را می‌توان از متن اجازه‌ای که برای شیخ‌فخرالدین علی بن نصرالله بهاء‌الدین طبری در سال ۸۰۶ قمری پس از اتمام کتاب قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام نوشته است، به دست آورد؛ آنجا که می‌نویسد:

و اجازه دادم که وی این کتاب و دیگر تألیفات مؤلف و نیز مصنفات علمای گذشته - رضوان الله علیهم اجمعین - را که نزد من خوانده، برای هر که بخواهد، روایت و بازخوانی کند؛ چراکه وی شایستگی این کار را دارد (طباطبائی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۴۲).

۷. جلسه درس سیدمحمد بن جعفر ملحوس حسنی حلی (م. ۸۷۹ق): او از گران‌ارج‌ترین علمای امامیه و از خانواده‌ای اصیل و اهل علم و فضل است که به سادات حسنی ساکن در حله نسب می‌رساند. محفل تدریس او، یک مرکز پرنشاط علمی بود. طالبان علم به او روی می‌آوردند و روزها و سال‌ها خوشه‌چین خرمن فکر و اندیشه پربار او بودند و در این جلسات، پس از اتمام کتاب‌های فقهی و روایی، از او اجازه نقل دریافت می‌کردند (همان، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۸۵).

۸. جلسه درس سیداحمد بن علی حسینی جزائری حلی (م. ۸۸۳ق): او از استادان اجازه حله بود و شیخ اجل، یوسف بن حسین بن ابی‌قطیفی در خلال نیمه دوم قرن نهم هجری (م. ۸۹۰ق) کتاب الدروس الشرعية شهید اول را نزد وی به اتمام رساند و مجاز به نقل و روایت آن شد (افندی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۶۸).

۹. جلسه درس شیخ یوسف بن حسن بن ابی‌قطیفی (زنده در: ۸۹۱ق): او یکی از مشایخ اجازه بود و نامش در سلسله اجازات جای داشت و از تحصیل کردگان مکتب فاضل مقداد سیوری حلی به شمار می‌رفت (همان، ۱۴۲۷ق، ص ۴۶۷).

۱۰. جلسه درس محمد بن ابی‌جمهور احسائی (ت ۸۹۸ق): محفل گرم درس و بحث او شماری بسیار از طلاب علم را پیرامون وی گرد آورده بود؛ چندان که تعداد فراوانی از علما به دست او پرورش یافتند و در زمره محدثان و ناقلان میراث اهل بیت علیهم‌السلام درآمدند. شیخ محمد بن صالح، مشهور به غروی حلی (م. ۸۹۰ق) از کسانی است که توانست از محمد بن ابی‌جمهور احسائی اجازه نقل بگیرد و استادش در آخرین جلسه درس کتاب ارشاد الازدهان الی احکام الایمان برای وی نوشت:

بنده امیدوار به خداوند یکتا و بلندمرتبه، محمد بن صالح مشهور به غروی حلی،

کتاب ارشاد الازدهان الی احکام الایمان را نزد من خوانده و بنده از آغاز تا پایان آن را از او شنیده‌ام و این خواندن و شنیدن، عالی و استوار بوده است. وی درخواست کرده اجازه دهم کتاب را از من روایت نماید. من خواسته‌اش را اجابت کردم و در نیمه ماه جمادی‌الاولی سال ۸۹۸ قمری این اجازه را به رشته تحریر در آوردم. کاتب: فقیر در گاه الهی، محمد بن علی بن ابی‌جمهور احسائی (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۵، ص ۵).

### مساجد و زیارتگاه‌ها

مساجد از پر جلوه‌ترین جاهایی هستند که همواره در طول تاریخ تفکر اسلامی پیوند عمیق آنها با علم و جنبش‌های فکری، رشد و تعالی مسلمانان را در پی داشته است. در آغازین سال‌های اسلام، از مساجد برای گسترش تعالیم دین بهره‌برداری می‌شد؛ همچنان که اساسی‌ترین محل برای عبادت و اجتماعات عبادی نیز بود. رسول خدا ﷺ اصحاب خود را در مسجد تعلیم می‌داد. از ابی بن کعب نقل شده است که گفت: «روزی وارد مسجدالنبی شدم. دیدم مردی در حال قرآن خواندن است. گفتم: چه کسی به تو قرآن آموخته؟ گفت: رسول خدا ﷺ (محمود، ۱۹۷۶م، ص ۳۲؛ ابن‌حنبل، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۱۹). همچنین از یکی دیگر از اصحاب نقل شده است: «در مسجد خدمت پیامبر ﷺ رسیدم و گفتم: ای رسول خدا، آمده‌ام علم بیاموزم. فرمود: آفرین به تو که طالب علمی» (شهید ثانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۰۷).

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که مسجد در تلقی مسلمانان، نخستین مدرسه و محل یادگیری معارف اسلامی بوده است. مسجد را معمولاً در مناسب‌ترین جای شهر و در وسط و دسترس عموم می‌ساختند و به عنوان مرکز عبادت و علم‌آموزی مورد استفاده قرار می‌دادند (خزعل، ۲۰۰۲م، ص ۲۲۹) و این از باب امتثال امر الهی بود که می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ﴾ (توبه: ۱۸)

مساجد خدا را تنها کسی حق تعمیر و آبادانی دارد که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد و نماز به پا دارد و زکات بدهد.



مساجد و اماکن مقدس و زیارتگاه‌ها در شهر حله از جهت تلاش‌های فکری و علمی، نسبت به دیگر مراکز کم‌اهمیت‌تر نبود. در منابع تاریخی، از بعضی از این مساجد، همچون «مسجد جامع» و «مسجد مشهدالشمس» حله که هر کدام جزو آثار بزرگ تمدنی و عمرانی شهر محسوب می‌شوند، نام برده شده است (هروی، ۲۰۰۲، ص ۶۸) و نیز «مقام صاحب‌الزمان» و «جامع عبدالسمیع اسدی حلی» (طباطبائی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۹۹). گفتنی است که درباره «مقام صاحب‌الزمان» و «جامع عبدالسمیع بن فیاض» در منابع تاریخی مطالبی وجود دارد که از خلال آنها می‌توان به اهمیت این دو مکان شریف در مرکزیت فکری و علمی شهر حله از آغاز تا قرن نهم هجری پی برد و دانست که چگونه طی سالیان متمادی حلقه‌های درس و تعلیم در آنها برقرار بوده و دانشوران حلی چگونه تجربه‌های پر نشاط علمی خود را در قالب تعلیم و تعلم و صدور اجازات و نسخه‌برداری از کتب و تألیف و تصنیف در این دو مکان به نمایش می‌گذاشته‌اند.

اما درباره مساجد و اماکن مقدس دیگر مطالبی در منابع وجود ندارد که به معلوماتی در مورد فعالیت‌های فکری در آنها رهنمون شود و دست ما در این زمینه خالی است. وجود اطلاعات تاریخی در باب «مقام صاحب‌الزمان» و «جامع الشیخ عبدالسمیع» چه بسا مرهون ظهور مکانی با نام «مدرسه زینبیه» در آغاز قرن نهم هجری، در منابع مربوط به شهر حله باشد و همچنان که خواهیم دید، این مدرسه در مقایسه با دیگر مکان‌ها، در جذب طلاب حله و خارج آن، قوی‌ترین مرکز بوده است.

۱. مدرسه زینبیه، مجاور مقام صاحب‌الزمان عَلَيْهِ السَّلَام تا قرن نهم، این مکان شاهد حرکت‌های جدی و مستمر علمی بوده و اطلاعات تاریخی درباره آن، صورت روشنی از گذشته این مدرسه در اختیار ما می‌گذارد. افندی در تبیین جایگاه این مرکز فکری و فعالیت‌های آن می‌گوید:

در قریه فاره در نزدیکی زادگاه ابن ابی‌جمهور، یعنی احساء، کتاب‌هایی را دیدم به خط شریف ابن ابی‌جمهور که بعضی از آن خود وی بود و بعضی متعلق به دیگر علما؛ از جمله بخش اول و دوم کتاب شرح تهذیب الاصول از علامه

سیدضیاءالدین بن اعرج حسینی از اساتید جلیل‌القدر شهید اول، محمد بن مکی عاملی. در پایان یکی از این نسخه‌ها نوشته بود: «این نسخه در حله سیفیه عراق در مدرسه مجاور با مقام صاحب‌الزمان در ماه صفر سال ۸۸۳ قمری نگاشته شد» (افندی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۱۰).

این سخن روشن می‌کند که مدرسه مقام صاحب‌الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکبری‌و‌العلی‌عنه‌السلام مدرسه‌ای استوار و پرتکاپو و محل شکل‌گیری و تقویت کارهای متنوع علمی همچون نسخه‌برداری در حله و خارج آن به شمار می‌آمده است. در منابع نیامده که در حله مدرسه‌ای رسمی و دولتی وجود داشته یا نه. اما نام مدرسه صاحب‌الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکبری‌و‌العلی‌عنه‌السلام در کتاب‌های تاریخ فراوان به چشم می‌خورد، بی‌آنکه به رسمی و مرتبط بودن آن با مؤسسات دولتی تصریح و حتی اشاره‌ای شده باشد و این نشان می‌دهد مدرسه مذکور، وابسته به دولت نبوده است. علت این امر هم روشن است. علمای حله، به خصوص عالمان امامیه، هیچ تمایلی نداشتند با مدارس تحت اشراف حکومت مرتبط شوند و رسماً جزو کارمندان دولتی در حیطه تعلیم و تعلم به شمار آیند. از این رو هیچ مدرسه دولتی در حله ثبت نشده است و چنان‌که می‌دانیم، مذاهب دیگر، غیر از مذهب امامیه، در تحولات گوناگون شهر حله جایگاه و نقش اساسی نداشته‌اند.

وجود اختلاف اساسی میان شیعه و دیگر مذاهب بر سر مسئله خلافت و امامت، و توصیه ائمه علیهم‌السلام به وجوب دور بودن شیعیان از اماکن و شهرهایی که از یاد و نام اهل بیت علیهم‌السلام روی گردانند، سببی بود که شهر حله را دور از مراپبات دولتی و بر کنار از اعمال نفوذ آنان قرار می‌داد (فیاض، ۱۳۹۲ق، ص ۷۵). امام صادق علیه‌السلام فرموده است:

خداوند، سه مجلس و گردهم آمدن را دشمن می‌دارد و خشم خود را بر حاضران آن فرود می‌آورد: جلسه‌ای که کسی در آن فتوای دروغ دهد، جلسه‌ای که در آن نام دشمن ما تازه و بر زبان باشد و نام ما کهنه و ناخوشایند و جلسه‌ای که در آن مردم از ما بازداشته شوند و تو این را می‌دانی. در چنین جلساتی و با چنین کسانی مجالست نکنید (کلینی، ۱۳۶۵ق، ج ۲، ص ۳۷۸).

بی‌گمان مقوامات و جبهه‌گیری‌های فکری شیعه در دوره‌های مختلف تاریخی، عاملی

مهم در روابط محدود و حساب‌شده جامعه شیعی با مخالفان و معاندان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) است و موجب شده که شیعیان از هرگونه تأثیر و انفعال عقیدتی و ایمانی در برابر جریان‌های نامطلوب در امان باشند و هر روز بیش از پیش قوت گیرند.

از مدرسه مقام صاحب‌الزمان (علیه‌السلام) در کتاب‌ها به تعبیرها و نام‌های متفاوت یاد شده است. گاهی به آن «مدرسه شرعیه» گفته‌اند؛ مثل این متن که سخن از ابن فهد حلی و محل تدریس وی به میان آورده: «ابن فهد حلی احمد بن شمس‌الدین محمد بن فهد، جمال‌الدین حلی اسدی شیعی، در مدرسه شرعیه در حله سیفیه تدریس می‌کرد...» (احمد بن فهد حلی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۵). چه بسا این نام با توجه به تدریس علوم دینی و مذهبی امامیه در این مدرسه بر آن نهاده شده است.

«مدرسه زینبیه» نام دیگری است که بازهم در یادکرد از ابن فهد حلی به آن برمی‌خوریم. بحرالعلوم گوید: «جمال‌الدین احمد بن شمس‌الدین بن فهد اسدی حلی، در حله سیفیه زندگی داشت و در مدرسه زینبیه آن شهر طالب علمان را فقه و حدیث می‌آموخت» (بحرالعلوم، ۱۳۶۳ق، ج ۲، ص ۱۰۷).

«مدرسه زعیّه و زعینیه» نیز به آن گفته‌اند که در این میان، نام صحیح و معروف، «مدرسه زینبیه» است. آنچه این رأی را تقویت می‌کند، وجود نصوصی است که نشان می‌دهد عالمانی در همین مدرسه تحصیل کرده و فعالیت‌های متعدد فکری داشته‌اند.

علت این تعدد عنوان را شاید بتوان به اشتباهات نگارشی یا خطاهای چاپی مربوط دانست. محتمل است کسانی که از این مدرسه به «شرعیه» یاد کرده‌اند، در این باب اطلاعاتی داشته‌اند که اکنون در دسترس ما نیست؛ چه اینکه در گذشته معمولاً مصادر نقل قول‌ها ذکر نمی‌شده و به این کار اهمیت چندان نمی‌داده‌اند.

موضوع دیگری که باید در اینجا به آن اشاره کنیم، این است که هر چند به اعتقاد رایج، مدرسه زینبیه در قرن نهم هجری پایه‌گذاری شده است، متون تاریخی با تأکید، این مدرسه را با مدرسه مجاور مقام صاحب‌الزمان یکی می‌دانند و جز اختلاف در اسم، وجه تمایزی بین آنها قائل نیستند. سخن افندی شاهد روشنی در این باره است:

یادداشتی به خط محمد بن ابی‌جمهور احسائی بر کتاب تهذیب الاصول دیدم که در آخر آن آمده بود: «احمد بن علی بن ابراهیم بن جمهور احسائی، از قبیله شیبان ... نوشته شده در: حله سیفیه در مدرسه زینبیه مجاور با مقام صاحب‌الزمان، در ماه صفر سال ۸۸۳ قمری» (افندی، ۱۴۲۷ق، ص ۲۱۰).

درهای مدرسه زینبیه به روی تمام عالمان و شیفتگان دانش‌های دینی گشوده بود و حلقه‌های متعدد درس در آن برپا می‌شد و در روزهای معمول و مناسبات دینی که بزرگان و علما گردهم می‌آمدند و به هم می‌رسیدند، بازار مباحثه و تبادل آرای مربوط به مسائل دینی و مصالح عامه، در این مدرسه داغ می‌شد و گفت‌وگوها در موضوعات مناسبتی و جز آن، بین آنها بالا می‌گرفت. جناب شیخ خضر حبلرودی که برای زیارت اربعین امام حسین علیه السلام به کربلا می‌رود، هنگام عبور از حله سری هم به مدرسه زینبیه می‌زند و با یکی از مدرسان آن حوزه به نام شیخ محمد بن محمد بن نفع حلی که از دوستانش است، دیدار می‌کند و با او در موضوع زیارت اربعین به بحث و مناظره می‌نشیند و همین امر سبب تألیف کتابی به نام التوضیح الانوار به قلم شیخ خضر حبلرودی می‌شود. او خود در این باره گفته است:

چون در سال ۸۳۹ قمری تصمیم به زیارت اربعین گرفتم و در میانه راه وارد مدرسه زینبیه شدم، دوست عزیز و بااخلاصم، محمد بن نفع از من خواست کتابی در موضوع زیارت اربعین تألیف کنم و...

خوب است نکته‌ای هم در باب بنا و بازسازی این مدرسه نقل کنیم. کرکوش می‌گوید: پس از آنکه رؤوف پاشا، «مرادالعزی» را به عنوان حاکم شهر حله منصوب کرد، وی در مدت مسئولیت خود در سال ۱۲۸۹ قمری مدرسه رشديه را در ابتدای «سوق العرج» بازسازی کرد و رونق دوباره بخشید و این همان مدرسه زینبیه بود که به گمان بنده، از جمله مدارس و حوزه‌های علمی در آغاز نهضت فکری در حله، در قرون وسطا است (کرکوش، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۴۵).

۲. مسجد شیخ عبدالسمیع بن فیاض اسدی حلی (م. ۱۷۶ق): جز معلومات باارزشی که طباطبائی در موضوع این مسجد ارائه کرده (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۹۸) در منابع تاریخی

به هیچ مطلب و اشاره خاصی درباره مسجد دست نیافته‌ایم؛ همچنان که هیچ اشاره دقیقی هم وجود ندارد که معلوم کند این مسجد در چه منطقه‌ای از حله قرار داشته و سازنده آن دقیقاً چه کسی بوده است؟ آیا عبدالسمیع بن فیاض، شخصاً خود آن را بنا کرده یا کار متعلق به یکی از فرزندان اوست؛ فرزندان هم‌چون غیاث‌الدین بن فیاض که در نسخه‌برداری از بعضی کتب در همین مسجد نقش بارزی داشته، هرچند که تاریخ استنساخ این کتب به وسیله او، به سالیانی اندک پس از قرن نهم مربوط می‌شود؟

بر اساس گزارش‌ها استنساخ کتاب‌های فقهی و روایی از مهم‌ترین فعالیت‌های فکری در مسجد شیخ عبدالسمیع بوده است؛ از جمله استنساخ کتاب تذکرة الفقهاء علامه حلی به دست شیخ حامی بن بدر بن برکة بن صدقة بن شداد اسدی حلی که در پایان آن آمده است: «در روز دوشنبه هشتم ربیع‌الاول ۹۰۵ قمری کار استنساخ کتاب در مسجد شیخ عبدالسمیع بن فیاض اسدی در حله به اتمام رسید». همچنین استنساخ کتاب الزکاة الی افعال الحج از مؤلفات علامه حلی در سال ۹۱۷ قمری و کتاب دیگر او قواعد الاحکام و نیز کتاب تذکرة الفقهاء در سال ۹۱۸ قمری به دست فرزند عبدالسمیع بن فیاض، انجام شد. (همانجا).

## فهرست منابع

١. ابن حنبل، احمد بن محمد شيبانى (١٤١٤ق). المسند، تحقيق: عبدالله درويش، بيروت، دار الفكر.
٢. ابن شبة، ابوزيد عمر النميرى (١٤١٠ق). تاريخ المدينة المنورة، تحقيق: محمد فهم شلتوت، بيروت، مطبعة دار التراث.
٣. ابن فهد حلى، احمد اسدى (١٤٠٩ق). المهذب البارع فى شرح المختصر النافع، تحقيق: سيدمهدى رجائى، قم، مطبعة سيدالشهداء.
٤. افندى، عبدالله اصفهانى (١٤٠٣ق). رياض العلماء و حياض الفضلاء، تحقيق: احمد حسيني، قم، مكتبة المرعشى.
٥. \_\_\_\_\_ (١٤٢٧ق). الفوائد الطريفة، تحقيق: سيدمهدى رجائى، قم، مطبعة ستاره.
٦. بحراني، على بن حسن بلادى (١٤١٤ق). انوار البدرين فى تراجم علماء القطيف والاحساء و البحرين، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات.
٧. بحراني، شيخ يوسف بن ابراهيم بن احمد (بى تا). لؤلؤة البحرين فى الاجازات و تراجم الحديث، تحقيق و تعليق: سيدصادق بحر العلوم، نجف، مطبعة النعمان.
٨. بحر العلوم، سيدمحمد مهدى طباطبائى (١٣٦٣ق). رجال السيد بحر العلوم المعروف بالفوائد الرجاية، تحقيق: محمدصادق بحر العلوم، طهران، مكتبة الصادق.
٩. حرز الدين، محمد (١٣٩١ق). مرآة المعارف فى تعيين مرآة العلويين والصحابه والتابعين والرواة والعلماء والادباء والشعراء، تحقيق: محمدحسن حرز الدين، نجف، مطبعة الآداب.
١٠. حرعالملى، محمد بن حسن (١٩٦٢م). امل الآمل فى علماء جبل عامل، تحقيق: احمد الحسينى، قم، مطبعة دار الكتاب الاسلامى.
١١. خزعل، سهاد (٢٠٠٢م). المساجد و اثرها فى التعليم، بغداد، مجلة دراسات تاريخية.
١٢. خوانسارى، محمدباقر موسى اصفهانى (١٤١١ق). روضات الجنات فى احوال العلماء والسادات،

بيروت، الدار الاسلامية.

١٣. شهيد ثاني، زين الدين جعبي عاملي (١٤٠٩ق). منية المرید في آداب المفيد والمستفيد، تحقيق: رضا مختاري، طهران، مكتبة الاعلام الاسلامي.
١٤. طباطبائي، سيد عبدالعزيز (١٤١٦ق). مكتبة العلامة الحلي، قم، مطبعة ستاره.
١٥. طبري، ابو جعفر محمد بن جرير (بي تا). تاريخ الامم والملوك، تحقيق: لجنة من العلماء الاجلاء، بيروت، مؤسسة العلمي.
١٦. فياضى، عبدالله (١٣٩٢ق). تاريخ الترابية عند الامامية واسلافهم بين عهدي الصادق والطوسي، بغداد، مطبعة اسعد.
١٧. كحالة، عمر رضا (بي تا). معجم المؤلفين، بيروت، دار احياء التراث العربي.
١٨. كركوش، يوسف (١٣٨٥ق). تاريخ الحلة، نجف، المكتبة الحيدرية.
١٩. كليني، ابو جعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق (١٣٦٥ق). الكافي، تحقيق: علي اكبر غفاري، طهران، دار الكتب الاسلامية.
٢٠. اللجنة العلمية في مدرسة الامام الصادق (عليه السلام) (١٤٢٠ق). موسوعة طبقات الفقهاء، اشراف: جعفر سبحاني، بيروت، دار الاضواء.
٢١. مجلسي، محمد باقر (بي تا). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بيروت، دار احياء التراث العربي.
٢٢. محمود، علي عبدالكريم (١٩٧٦م). المسجد واشره في المجتمع الاسلامي، قاهره، دار المعارف.
٢٣. وناس، د. زمان عبيد (٢٠٠٦م). ملامح الحركة التعليمية في الحلة منذ نشأتها حتى نهاية القرن الثامن للهجرة، حله، دار الصادق.
٢٤. هروي، ابوالحسن علي بن ابي بكر (٢٠٠٢م). الاشارات الي معرفة الزيارات، تحقيق: علي عمر، قاهره.
٢٥. يعقوبي، محمد علي (١٩٥١م). البابليات، نجف، مطبعة الزهراء.